

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The Role and Effects of Economic Sanctions in International Commercial Contracts

1. Mahbobeh Bashiri*: M.A. Department of Graduated in International Economical Commercial Law, Mofid University, Qom, Iran. Email: mahbobebashiri@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

The objective of this study is to answer the question of whether sanctions may be regarded as an instance of “force majeure” or “hardship” and what consequences they entail for the contractual liability of the parties. The present research was conducted using a descriptive–analytical method and by relying on library resources, international conventions (such as the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)), as well as the examination of judicial practice and international arbitral awards. The findings of the study indicate that economic sanctions, depending on the time of their imposition and the scope of their application, may render the performance of contractual obligations temporarily or permanently impossible. Where sanctions are unforeseeable and unavoidable, they are generally analyzed within the framework of force majeure and result in the exemption of the obligor from liability for damages. However, where sanctions merely cause severe financial hardship and disrupt the contractual equilibrium between reciprocal obligations, they fall within the concept of hardship and may lead to the renegotiation of the contract. The study further demonstrates that the inclusion of a “sanctions clause” in the contract plays a vital role in risk management and the equitable allocation of losses. Ultimately, this research concludes that economic sanctions constitute not only an obstacle to contractual performance, but also a factor contributing to the transformation of traditional interpretations of contract law. In order to safeguard the rights of the parties, economic actors should adopt preventive mechanisms through the use of flexible contractual clauses and a precise understanding of private international law rules, rather than responding passively to sanctions, so as to prevent the unintended termination of contracts and the imposition of substantial losses.

Keywords: *Economic sanctions, international commercial contracts, force majeure, hardship, contractual liability, international sale of goods, risk management.*

How to cite: Bashiri, M. (2022). The Role and Effects of Economic Sanctions in International Commercial Contracts. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 4(1), 14-29.

© 2022 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 December 2021
Revise Date: 28 April 2022
Accept Date: 05 May 2022
Publish Date: 10 June 2022



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

نقش و آثار تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی

۱. محبوبه بشیری*: دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق تجاری اقتصادی بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران. پست الکترونیک: mahbobehbashiri@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا تحریم می‌تواند به عنوان مصدق‌ای از «قوه قاهره» (فورس ماژور) یا «هاردشیپ» (دشواری اجرای تعهد) تلقی گردد و چه پیامدهایی بر مسئولیت قراردادی طرفین دارد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، کنوانسیون‌های بین‌المللی (نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا - CISG) و بررسی رویه قضایی و داوری‌های بین‌المللی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی، بسته به زمان وضع و دامنه شمول، می‌توانند اجرای تعهد را به طور موقت یا دائم غیرممکن سازند. در صورتی که تحریم، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع باشد، غالباً در قالب «قوه قاهره» تحلیل شده و موجب معافیت متعهد از پرداخت خسارت می‌گردد. با این حال، چنانچه تحریم تنها موجب دشواری شدید مالی و برهم خوردن تعادل عوضین شود، تحت عنوان «هاردشیپ» قرار گرفته و ممکن است به بازنگری در قرارداد منجر شود. همچنین مشخص گردید که درج «شرط تحریم» در متن قرارداد، نقشی حیاتی در مدیریت ریسک و توزیع عادلانه خسارات ایفا می‌کند. در نهایت، این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که تحریم‌های اقتصادی نه تنها یک مانع اجرایی، بلکه عاملی برای تحول در تفاسیر سنتی حقوق قراردادهای هستند. برای صیانت از حقوق طرفین، لازم است فعالان اقتصادی با بهره‌گیری از شروط قراردادی منعطف و درک دقیق از قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، راهکارهای پیشگیرانه را جایگزین برخورد انفعالی با تحریم‌ها نمایند تا از انحلال ناخواسته قرارداد و تحمیل خسارات سنگین جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: حریم‌های اقتصادی، قراردادهای تجاری بین‌المللی، قوه قاهره، هاردشیپ، مسئولیت قراردادی، بیع بین‌المللی کالا، مدیریت ریسک.

نحوه استناددهی: بشیری، محبوبه. (۱۴۰۱). نقش و آثار تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۱)، ۲۹-۱۴.

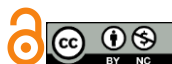
© ۱۴۰۱ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ چاپ: ۲۰ خرداد ۱۴۰۱



در جهان معاصر، اقتصاد و تجارت بین‌الملل به‌عنوان شریان‌های حیاتی توسعه و صلح جهانی شناخته می‌شوند. اصل «آزادی قراردادها» و قاعده بنیادین «لزوم وفای به عهد»، سنگ‌بنای تعاملات تجاری فرامرزی هستند که بر اساس آن‌ها، طرفین انتظار دارند در فضایی پیش‌بینی‌پذیر و با ثبات، تعهدات قراردادی خود را به انجام برسانند. با این حال، واقعیت‌های حاکم بر مناسبات سیاسی همواره با آرمان‌های حقوقی همسو نیستند. ورود متغیرهای سیاسی به عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی، مفاهیم سنتی قراردادها را با چالش‌های نوپدیدي مواجه ساخته است که بارزترین مصداق آن در سال‌های اخیر، وضع و گسترش «تحریم‌های اقتصادی» است. تحریم‌های اقتصادی که زمانی تنها به‌عنوان ابزاری در حقوق بین‌الملل عمومی برای تنبیه دولت‌های ناقض هنجارها تلقی می‌شدند، امروزه مستقیماً بر حوزه حقوق خصوصی و حقوق تجارت سایه افکنده‌اند. زمانی که دولتی اقدام به وضع تحریم‌های یک‌جانبه یا چندجانبه علیه کشوری دیگر می‌کند، شبکه پیچیده‌ای از قراردادهای خرید و فروش، حمل‌ونقل، بیمه و پرداخت‌های بانکی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی، متعهد قرارداد با وضعیتی روبه‌رو می‌شود که در آن، از یک سو بر اساس قرارداد ملزم به اجرای تعهد است و از سوی دیگر، به موجب قوانین آمره ناشی از تحریم، از انجام آن منع شده و در صورت تخلف، با مجازات‌های سنگین بین‌المللی مواجه می‌گردد. مسئله محوری اینجاست که تحریم‌های اقتصادی چگونه ماهیت حقوقی قرارداد را دگرگون می‌کنند؟ آیا می‌توان تحریم را به‌عنوان یک حادثه خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع، تحت چتر حمایتی «قوه قاهره» قرار داد و متعهد را از مسئولیت معاف کرد، یا باید آن را ذیل مفهوم «دشواری اجرای تعهد» تحلیل نمود که تنها به بازنگری و تعدیل قرارداد می‌انجامد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها از حیث تئوریک واجد اهمیت است، بلکه از منظر کاربردی نیز برای فعالان اقتصادی که در اتمسفر پرریسک فعلی فعالیت می‌کنند، سرنوشت‌ساز خواهد بود. این نوشتار در پی آن است تا با بررسی مبانی حقوقی تحریم‌ها در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه‌های داوری، آثار وضع تحریم بر حیات قراردادهای تجاری را واکاوی نماید. هدف ما تبیین این موضوع است که در تلاقی میان «نظم عمومی سیاسی» ناشی از تحریم و «نظم عمومی تجاری» ناشی از لزوم ثبات قراردادها، کدام منطبق حقوقی غلبه خواهد یافت و راهکارهای تعدیل خسارات در این میانه چیست.

نقش تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی

نقش تحریم به‌عنوان مانع اجرای تعهد (توصیف حقوقی)

مانع، واقعه‌ای است که یا موجب غیرممکن شدن اجرای قرارداد می‌شود یا اگر هم هنوز اجرا به لحاظ منطقی ممکن باشد، اجرای قرارداد را آن‌قدر دشوار می‌کند که دیگر نمی‌توان منطقاً آن را از متعهد انتظار داشت. متعهد در صورتی از پرداخت خسارات برای عدم انجام تعهداتش معاف می‌شود که بتوان واقعه رخ داده را در اصطلاح فنی و حقوقی، «مانع» تلقی کرد. از این رو، تحریم‌ها معمولاً توازن قرارداد را برهم می‌زنند و از منظر حقوقی، تحریم می‌تواند به سه شکل زیر بر قرارداد اثر بگذارد:

در وضعیت نخست، چنانچه تحریم‌های اقتصادی پس از انعقاد قرارداد وضع شوند و واجد ویژگی‌های سه‌گانه «خارجی بودن»، «غیرقابل پیش‌بینی بودن» و «غیرقابل دفع بودن» باشند، در قلمرو قوه قاهره یا فورس‌ماژور قرار می‌گیرند. در این حالت، تحریم به مثابه سدی نفوذناپذیر، اجرای تعهد را به لحاظ مادی یا حقوقی به‌طور مطلق «ناممکن» می‌سازد؛ برای مثال، زمانی که صادرات یک کالای خاص به کلی ممنوع می‌شود، متعهد به دلیل خروج موضوع از حیطه اراده‌اش، از مسئولیت جبران خسارت معاف شده و قرارداد حسب مورد دچار تعلیق یا انحلال نهایی می‌گردد.

در حالت دوم، ممکن است تحریم‌ها اجرای قرارداد را به کلی ناممکن نسازند، اما توازن مالی و فنی آن را چنان برهم بزنند که تداوم قرارداد برای یک طرف به شدت مشقت‌بار شود؛ این وضعیت تحت عنوان دشواری اجرای تعهد یا هاردشیپ شناخته می‌شود. در این شرایط، اجرای تعهد همچنان مقدور است، اما به دلیل ضرورت تغییر مسیرهای ترانزیتی، استفاده از ارزهای واسط یا پیچیدگی‌های پولی، هزینه‌ها به شکلی جهشی افزایش می‌یابد. در اینجا هدف حقوق، انحلال قرارداد نیست، بلکه تلاش می‌شود تا از طریق مذاکره مجدد یا دخالت مرجع رسیدگی، مفاد قرارداد جهت بازگرداندن تعادل اقتصادی و استقرار عدالت قراردادی «تعدیل و بازنگری» شود.

در نهایت، تحریم‌ها می‌توانند منجر به انتفای قرارداد گردند که ریشه در نظام‌های حقوقی کامن‌لا دارد. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که بر اثر وضع تحریم، اگرچه اجرای فیزیکی تعهد همچنان ممکن است، اما «هدف اصلی و مبنایی» که طرفین بر اساس آن قرارداد را منعقد کرده‌اند، از بین می‌رود یا به شکلی بنیادین دگرگون می‌شود، به گونه‌ای که اجرای آن فرسنگ‌ها با قصد اولیه طرفین فاصله می‌گیرد. در چنین شرایطی، قرارداد کارکرد و معنای اقتصادی خود را از دست داده و حقوق برای جلوگیری از تحمیل یک تعهد بی‌ثمر، حکم به منفسخ‌شدن خودبه‌خودی قرارداد و رهایی طرفین از الزامات آن می‌دهد.

اختلال در چرخه مالی و لجستیک

تحریم‌های اقتصادی با هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی، جریانی از موانع عملیاتی را ایجاد می‌کنند که فراتر از ممنوعیت صرف کالا عمل می‌کند؛ نخستین لایه این اختلال در «نظام پرداخت‌های بین‌المللی» تجلی می‌یابد، به طوری که حتی در صورت مشروع بودن موضوع قرارداد، مسدود شدن جریان‌های بانکی نظیر سوئیفت و قطع روابط کارگزاری، انتقال وجه را با بن‌بست مواجه می‌سازد. در این وضعیت، متعهد با نوعی «عسر و حرج» یا دشواری بنیادین در ایفای تعهد پولی روبه‌رو می‌شود که اگرچه ناشی از ذات قرارداد نیست، اما به دلیل وابستگی مطلق تجارت مدرن به بانکداری، اجرای قرارداد را از کنترل وی خارج کرده و تعادل قراردادی را به نفع یک وضعیت اضطراری برهم می‌زند. علاوه بر موانع پولی، تحریم‌ها از طریق یک «اثر دومینویی»، پایداری قراردادهای تبعی و وابسته را نیز از بین می‌برند؛ چرا که هر معامله تجاری کلان، شبکه‌ای به هم پیوسته از قراردادهای حمل‌ونقل، بیمه و بازرسی کالا است. هنگامی که شرکت‌های بیمه یا خطوط کشتیرانی بین‌المللی به دلیل هراس از جریمه‌های ناشی از تحریم، از ارائه خدمات خودداری می‌کنند، قرارداد اصلی (بیع) عملاً در خلأ قرار گرفته و قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد. در واقع، تحریم با تخریب این لایه‌های پشتیبان، پیوستگی زنجیره تأمین را از هم می‌گسلد و منجر به توقف قهری معاملاتی می‌شود که در ظاهر با منعی روبه‌رو نیستند، اما در عمل، بدون این خدمات جانبی، موضوعیت خود را از دست داده‌اند.

تلاقی «نظم عمومی» و «قوانین آمره»

تلاقی تحریم‌های اقتصادی با مفاهیم «نظم عمومی» و «قوانین آمره»، یکی از پیچیده‌ترین گره‌های حقوقی در داوری‌های بین‌المللی است؛ چرا که داور یا قاضی در مواجهه با یک قرارداد تحریم‌شده، با این چالش بنیادین روبه‌رو است که آیا باید قوانین تحریمی کشور واضع تحریم را به‌عنوان یک قاعده آمره و الزام‌آور ملی بپذیرد یا خیر. در واقع، مسئله اصلی این است که آیا این محدودیت‌های سیاسی به اندازه‌ای از وجاهت حقوقی برخوردار هستند که بتوانند قواعد حاکم بر قرارداد را تحت الشعاع قرار داده و نظم عمومی دادگاه یا مرجع داوری را تحت تأثیر قرار دهند. در مقام حل این تعارض، رویه قضایی بین‌المللی میان تحریم‌های «یک‌جانبه» و «بین‌المللی» تمایز قائل می‌شود؛ بدین معنا که اگر مرجع رسیدگی، تحریمی را مغایر با «نظم عمومی بین‌المللی» یا اصول بنیادین تجارت آزاد تشخیص دهد، ممکن است از اجرای آن خودداری کرده

و آن را در سرنوشت قرارداد بی‌اثر بدانند. با این حال، چنانچه تحریم‌ها برخاسته از یک اراده جمعی جهانی، مانند قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد باشند، به‌عنوان بخشی از نظم عمومی بین‌المللی تلقی شده و رعایت آن‌ها برای تمامی مراجع حقوقی الزامی می‌گردد؛ امری که نشان‌دهنده غلبه ضرورت‌های امنیتی و سیاسی کلان بر اراده خصوصی طرفین قرارداد است.

نقش پیشگیرانه «شروط تحریم»

در دوران نوین تجارت بین‌الملل، «شروط تحریم» از یک بند حاشیه‌ای به یک ابزار استراتژیک و هوشمندانه برای مدیریت ریسک تبدیل شده‌اند که هدف اصلی آن‌ها تبدیل بحران‌های پیش‌بینی‌ناپذیر سیاسی به متغیرهای حقوقی «مدیریت‌پذیر» است. در اسناد استاندارد هم‌چون قراردادهای فیدیک یا الگوهای اتاق بازرگانی بین‌المللی، این شروط به فعالان اقتصادی اجازه می‌دهند تا به جای تسلیم شدن در برابر حوادث قهری و ناگهانی، سناریوهای خروج یا تداوم همکاری را از پیش طراحی کنند. برای نمونه، پیش‌بینی حق فسخ یک‌جانبه در صورت وضع محدودیت‌های جدید، به طرفین این قدرت را می‌دهد که پیش از گرفتار شدن در بن‌بست‌های حقوقی و جریمه‌های سنگین بین‌المللی، به شکلی قانونی از قرارداد خارج شده و از انباشت خسارات جلوگیری کنند. علاوه بر این، کارکرد پیشگیرانه این شروط در جزئی‌ترین لایه‌های عملیاتی قرارداد، یعنی «تداوم جریان مالی و لجستیک»، تجلی می‌یابد. درج توافقاتی مبنی بر استفاده از ارزهای جایگزین یا تعیین مسیرهای موازی برای تسویه حساب و حمل و نقل، باعث می‌شود که قرارداد در برابر تکانه‌های سیاسی صلب و شکننده نباشد و حتی در شرایط سخت نیز به حیات خود ادامه دهد. همچنین، با شفاف‌سازی و تقسیم دقیق مسئولیت اخذ مجوزهای قانونی بین طرفین، از بروز ابهام و اختلافات آتی در مراجع داوری جلوگیری می‌شود. در واقع، این شروط با ایجاد یک «نقشه راه اضطراری»، به طرفین کمک می‌کنند تا به جای غافلگیری در برابر تحریم، با آمادگی کامل ریسک‌های آن را در دل قرارداد هضم و کنترل نمایند.

آثار وضع تحریم‌ها بر تجارت بین‌الملل

وضع تحریم‌های گسترده و چندلایه، جغرافیای تجارت خارجی و ساختار مالی کشورها را با چالشی بنیادین مواجه کرده و با عبور از ممنوعیت‌های ساده تجاری، لایه‌های عمیق مبادلات پولی و زیرساختی را هدف قرار داده است؛ این فشارها از یک سو با قطع شریان‌های بانکی و انزوای از شبکه سوئیفت، منجر به جهش بی‌سابقه هزینه‌های مبادلاتی و وابستگی ناگزیر به واسطه‌های مالی غیررسمی شده و از سوی دیگر، با ایجاد بن‌بست در حوزه‌های حیاتی نظیر بیمه و حمل و نقل بین‌المللی، زنجیره تأمین کالا را به شدت آسیب‌پذیر، زمان‌بر و پرهزینه ساخته است.

آثار تحریم‌ها بر بخش انرژی

تحریم ابزاری سیاسی است که دولت‌ها از آن برای اثرگذاری روی کشورهای دیگر، بنگاه‌ها و شهروندان آنان استفاده می‌نمایند. یکی از انواع تحریم، تحریم اقتصادی است که ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی دولت‌های وضع‌کننده تحریم می‌باشد. مطالعه اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی نیازمند شناخت میزان و شدت تحریم در بخش‌های مختلف است. اثر شدت تحریم‌های اعمالی بر کشور ایران در حوزه انرژی به یک متغیر میان صفر تا پنج تبدیل شده است تا شاخص بهتری برای درک میزان فشار و تحریم‌های اقتصادی اعمالی بر کشور ایران ارائه داده شود. سپس اثرگذاری متغیر شدت تحریم به‌دست‌آمده را روی تجارت خارجی ایران با پنج شریک تجاری مهم، از جمله آلمان، چین، هند، ترکیه و امارات متحده، براساس معادله جاذبه به‌دست آورده شده است. کشور چین و امارات به‌ترتیب کمترین میزان اثرپذیری از تحریم بخش انرژی ایران را در صادرات و واردات به خود اختصاص دادند. همچنین بیشترین میزان اثرپذیری در واردات و صادرات به کشورهای هند و

آلمان اختصاص یافت. به‌طور کلی، تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از مؤثرترین سازوکارهای نظام امنیت دسته‌جمعی ملل متحد، به‌ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه، تأثیرات قابل توجهی بر حوزه انرژی دارند. اتحادیه اروپا از این نوع تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف استفاده می‌کند. میزان وابستگی هر بخش اقتصادی به کشورهای دیگر، عامل اصلی تعیین‌کننده آسیب‌پذیری آن بخش در شرایط تحریم به‌شمار می‌رود. در حوزه انرژی، به دلیل اهمیت بالای این بخش، تحریم‌ها عمدتاً بر نفت و گاز متمرکز می‌شوند و می‌توانند مشکلات متعددی را ایجاد کنند. تحریم‌های انرژی ممکن است منجر به بحران انرژی، نارضایتی اجتماعی و بحران‌های سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی شوند، زیرا عدم تأمین انرژی می‌تواند باعث اختلال در صنایع و بیکاری گردد. تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای تشویق دولت‌ها به رعایت تعهدات بین‌المللی در سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل و اتحادیه اروپا طراحی شده‌اند. همچنین، تحریم‌های یک‌جانبه نیز وجود دارند که شامل تحریم‌های اولیه و ثانویه می‌شوند. تحریم‌های اولیه محدود به روابط دو کشور است، در حالی که تحریم‌های ثانویه می‌توانند فراتر از روابط دو کشور عمل کنند. برخی از تحریم‌های اتحادیه اروپا به موازات قطعنامه‌های شورای امنیت و برخی دیگر نیز به‌طور نامشروع و فراتر از این قطعنامه‌ها اعمال شده‌اند. نگرانی‌های حقوقی در مورد سوءاستفاده برخی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای مستقل، به‌ویژه در چارچوب منشور سازمان ملل و تفسیر موسع از قطعنامه‌های شورای امنیت، موضوعی است که مورد توجه حقوقدانان بین‌المللی قرار دارد.

به‌طور کلی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی آثار متعددی در سطح ملی به همراه دارد. این نوشتار با توجه به تحریم‌های گسترده چندجانبه و یک‌جانبه علیه ایران در سال‌های اخیر، اثرات این تحریم‌ها را بر حوزه‌های محیط زیست، انرژی و انتقال فناوری از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. تحریم‌ها در حوزه محیط زیست منجر به نقض حق بهره‌برداری از محیط زیست پاک می‌شوند که ارتباط مستقیمی با حق بر سلامت و حیات دارد و همچنین اصول عام و خاص حقوق محیط زیست، از جمله اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و اصل همکاری را نقض می‌کند. علاوه بر این، با توجه به اهمیت گسترده انرژی در اقتصاد ایران، تأثیرات گسترده تحریم‌ها بر این بخش کاملاً مشهود است. در زمینه انتقال فناوری نیز، محدودیت‌های اعمال‌شده بر انتقال دانش و فناوری‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای و انرژی، به همراه تفسیر موسع قوانین وضع‌کننده تحریم، موجب بروز مشکلاتی برای بخش‌های مختلف صنعت و فناوری شده است.

آثار تحریم‌ها بر بخش حمل‌ونقل

حمل‌ونقل دریایی که یکی از پایه‌های اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شود، به‌شدت از جریان‌های خارجی اقتصادی تأثیرپذیر است. بررسی عواملی که به نوعی در میزان فعالیت این حوزه از حمل‌ونقل تأثیرگذار هستند، می‌تواند در ارائه تصمیم‌های مدیریتی برای این بخش مهم باشد. تحریم‌ها تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر بخش حمل‌ونقل دارند که می‌توانند به کاهش کیفیت و کارایی این بخش منجر شوند. یکی از آثار اصلی تحریم‌ها، کاهش دسترسی به ناوگان حمل‌ونقل است؛ زیرا محدودیت‌ها معمولاً مانع از خرید و واردات کشتی‌ها، هواپیماها و وسایل نقلیه سنگین می‌شوند. این موضوع به نوبه خود باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی برای شرکت‌های حمل‌ونقل می‌گردد، چرا که آن‌ها باید قطعات یدکی و سوخت را از منابع غیررسمی تأمین کنند و این امر هزینه‌ها را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. همچنین، تحریم‌ها رقابت‌پذیری شرکت‌های حمل‌ونقل ایرانی را در بازارهای بین‌المللی کاهش می‌دهند و به دلیل محدودیت‌های تجاری، حجم تجارت بین‌المللی نیز کاهش می‌یابد. این کاهش تجارت می‌تواند به بیکاری در بخش حمل‌ونقل و کاهش رشد اقتصادی منجر شود. علاوه بر این، تأثیرات منفی بر زیرساخت‌های حمل‌ونقل و افزایش قاچاق کالا نیز از دیگر پیامدهای تحریم‌ها هستند. در نهایت، تحریم‌ها ممکن است الگوهای حمل‌ونقل

را تغییر دهند و شرکت‌ها را به جستجوی روش‌های جدید برای جابه‌جایی کالاها وادار کنند که این تغییرات می‌تواند زمان و هزینه‌های حمل‌ونقل را افزایش دهد.

موفقیت یا عدم موفقیت هر نهاد یا شرکتی در عرصه تجارت بین‌المللی به متغیرهای کلان اقتصادی وابسته است که بخشی از آن به عوامل داخلی و خارجی مربوط می‌شود. صنعت کشتیرانی ایران با وجود شدیدترین تحریم‌های اقتصادی، توانسته است علی‌رغم تحمل هزینه‌های سنگین در دوران‌های مختلف، بقای خود را حفظ کند. این صنعت با وجود رکود، بحران و تحریم، به نوعی مقاومت نشان داده است. اگرچه ممکن است تحریم‌ها در زمان‌های مختلف کاهش یا برداشته شوند، تجربیات تاریخی نشان داده‌اند که کشورها معمولاً در مواجهه با تحریم‌ها، روندهای صعودی را در اقتصاد جهانی تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، برخی از روندهای سیاستی و زیرساختی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حال وقوع هستند که به‌طور مستقیم بر صنعت کشتیرانی تأثیر می‌گذارند. یکی از این روندها، اولویت‌یابی سیاست همسایگی و کاهش سهم تجارت دریایی ایران است. تجارت همسایگی به دلیل تأثیرپذیری کمتر از تحریم‌ها می‌تواند به یک چرخش سیاستی منجر شود که سهم کشورهای همسایه از کل تجارت ایران را افزایش دهد. بخش عمده‌ای از این تجارت، غیرنفتی بوده و شامل کالاهایی است که از طریق زمین نیز منتقل می‌شوند. تداوم این روند احتمالاً سهم کشتیرانی ایران از تجارت خارجی را کاهش خواهد داد. همچنین، پیوستن ایران به سازمان‌های بین‌المللی در آب‌های آزاد می‌تواند به‌عنوان یک تغییر استراتژیک در نظر گرفته شود که باعث ایجاد جهش قابل توجهی در صنعت کشتیرانی خواهد شد. این تغییرات می‌توانند به بهبود شرایط اقتصادی و تجاری ایران کمک کنند و در نهایت، به افزایش ظرفیت و کارایی صنعت کشتیرانی منجر شوند.

آثار تحریم به مثابه فورس‌ماژور در اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی

تحریم‌ها به معنی اقداماتی غیرنظامی هستند که بر انتقال کالا، خدمات یا سرمایه به یک کشور اثر زیان‌بار می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات یا وادار ساختن آن کشور به همخوان کردن خود با اهداف سیاسی کشور تحریم‌کننده یا گویای ناخرسندی کشور تحریم‌کننده از کارها و رفتارهای کشور تحریم‌شده است. این تحریم‌ها موجب بروز کندی و در پاره‌ای از موارد، قطعی در زمینه تأمین کالای شرکت‌ها شده است. با وقوع چنین حوادثی، با مجموعه‌ای از پرسش‌ها مواجه می‌شویم که پاسخ به آن‌ها به تحلیل عمیق حقوق مسئولیت مدنی نیازمند است. اعمال نظام مسئولیت مدنی بر تحریم‌ها به تغییر شکل جبران خسارت باز می‌گردد. در نظام مسئولیت بین‌المللی، جبران اصولاً به شکل اعاده وضع به حالت سابق است، در حالی که در تحریم، اثرات گسترده تحریم‌ها اعاده وضع به حالت سابق را بی‌نتیجه خواهد کرد.

تحریم‌ها به‌عنوان یک عامل فورس‌ماژور (قوت قهری) می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر قراردادهای بازرگانی بین‌المللی داشته باشند. فورس‌ماژور به شرایطی اطلاق می‌شود که اجرای تعهدات قراردادی را غیرممکن می‌سازد و به موجب آن، طرفین قرارداد می‌توانند از مسئولیت‌های خود معاف شوند. در این زمینه، تحریم‌ها به‌ویژه زمانی که به‌طور یک‌جانبه یا چندجانبه علیه یک کشور اعمال می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان یک عامل مؤثر در عدم اجرای قراردادها شناخته شوند. اولین اثر تحریم‌ها به‌عنوان فورس‌ماژور، ایجاد مانع در تأمین کالاها و خدمات است. هنگامی که یک کشور تحت تحریم قرار می‌گیرد، شرکت‌های خارجی ممکن است از انجام معاملات با آن کشور خودداری کنند یا با محدودیت‌های جدی مواجه شوند. این موضوع می‌تواند منجر به عدم تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز قرارداد شود و طرفین را در موقعیتی قرار دهد که نتوانند به تعهدات خود عمل کنند. دومین اثر، افزایش هزینه‌ها و ریسک‌های ناشی از تحریم‌هاست. شرکت‌ها ممکن است برای دور زدن تحریم‌ها مجبور به استفاده از روش‌های غیررسمی و هزینه‌بر شوند. این افزایش هزینه‌ها می‌تواند به حدی باشد که اجرای قرارداد را

غیرممکن یا غیرمقرون‌بصرفه کند. در این شرایط، طرفین می‌توانند به استناد فورس‌ماژور از ادامه قرارداد صرف‌نظر کنند یا درخواست تجدیدنظر در شرایط قرارداد را داشته باشند. سومین اثر تحریم‌ها بر روابط تجاری، ایجاد عدم قطعیت و بی‌اعتمادی در میان طرفین قرارداد است. تحریم‌ها می‌توانند به تغییرات ناگهانی در شرایط اقتصادی و تجاری منجر شوند که این امر به نوبه خود می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های تجاری تأثیر بگذارد. عدم قطعیت ناشی از تحریم‌ها ممکن است شرکت‌ها را وادار کند که از انجام قراردادهای جدید خودداری کنند یا به دنبال راهکارهای جایگزین باشند. در نهایت، تحریم‌ها می‌توانند به تغییر در شرایط قراردادها و *renegotiation* (تجدیدنظر) منجر شوند. در صورتی که یکی از طرفین قرارداد تحت تحریم قرار گیرد، ممکن است نیاز به تجدیدنظر در شرایط و تعهدات قرارداد برای تطابق با واقعیت‌های جدید اقتصادی و تجاری باشد. این تجدیدنظر می‌تواند شامل تغییر در قیمت‌ها، زمان تحویل و شرایط پرداخت باشد که به منظور حفظ روابط تجاری و کاهش خسارات مالی انجام می‌شود. به طور کلی، تحریم‌ها به‌عنوان یک عامل فورس‌ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، می‌توانند تأثیرات عمیق و پیچیده‌ای بر روابط تجاری و اجرای قراردادهای داشته باشند و به نیاز به انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتر در این زمینه اشاره دارند.

تأثیر تحریم بانکی به مثابه فورس‌ماژور بر نظام حقوقی گشایش اعتبار اسنادی

اعتبارات اسنادی به‌عنوان یکی از رایج‌ترین روش‌های پرداخت در معاملات بین‌المللی، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، امنیت و اطمینان لازم را برای خریداران و فروشندگان فراهم می‌آورند. در این سیستم، بانک گشاینده اعتبار اسنادی به‌صورت غیرقابل‌برگشت و در برابر ارائه اسناد شرط‌شده، متعهد به پرداخت می‌شود. این تعهد به‌ویژه در معاملات بین‌المللی که شامل ریسک‌های مختلف، از جمله نوسانات ارزی و مشکلات سیاسی است، اهمیت زیادی دارد. با این حال، این تعهد می‌تواند تحت تأثیر شرایطی قرار گیرد که به‌عنوان فورس‌ماژور شناخته می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی، به‌ویژه تحریم‌های بانکی که در سال‌های اخیر علیه کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران اعمال شده‌اند، از مهم‌ترین مصادیق فورس‌ماژور هستند. این تحریم‌ها معمولاً شرایط اصلی فورس‌ماژور را دارا هستند؛ یعنی خارجی بودن، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و غیرقابل‌اجتناب بودن. در نتیجه، زمانی که یک بانک تحت تحریم قرار می‌گیرد، مسئولیت آن در قبال اعتبار اسنادی و پرداخت‌های مرتبط ممکن است به‌طور قانونی برطرف شود. این موضوع می‌تواند به عدم توانایی بانک در انجام تعهدات خود منجر شود و در نتیجه، خریدار و فروشنده را در موقعیتی دشوار قرار دهد. در این شرایط، درج شرط فورس‌ماژور یا شرط تحریم در قرارداد اعتبار اسنادی می‌تواند به بانک گشاینده اطمینان بیشتری بدهد. این شرط به‌ویژه در مواردی که تردیدهایی در خصوص جایگاه حقوقی تحریم وجود دارد، می‌تواند به‌عنوان یک مکانیزم حفاظتی عمل کند. با درج این شرط، بانک می‌تواند به‌طور قانونی از مسئولیت‌های خود در برابر پیامدهای ناشی از تحریم‌ها معاف شود و این موضوع به حفظ اعتبار و امنیت بانک در معاملات بین‌المللی کمک می‌کند. علاوه بر این، درج شرط فورس‌ماژور در قراردادهای اعتبارات اسنادی می‌تواند به طرفین قرارداد (خریدار و فروشنده) نیز اطمینان خاطر بدهد که در صورت بروز شرایط غیرمنتظره، از جمله تحریم‌ها، می‌توانند به‌طور قانونی از تعهدات خود معاف شوند. این امر می‌تواند به کاهش ریسک‌های تجاری و افزایش تمایل شرکت‌ها به ورود به معاملات بین‌المللی کمک کند. در نهایت، درک صحیح از تأثیرات فورس‌ماژور و تحریم‌ها بر اعتبارات اسنادی، برای تمامی طرفین *involved* در معاملات بین‌المللی ضروری است و می‌تواند به حفظ روابط تجاری سالم و پایدار کمک کند. از جهاتی، ضمانت‌نامه‌های بانکی مستقل از قرارداد پایه میان طرفین می‌باشد و بانک صادرکننده ضمانت‌نامه در صورتی وجه ضمانت‌نامه را به ذی‌نفع پرداخت می‌نماید که اسناد مطابق با مفاد ضمانت‌نامه از سوی ذی‌نفع به بانک ارائه گردد. بانک پس از صدور ضمانت‌نامه به‌صورت غیرقابل‌برگشت در برابر

ارائه اسناد مطابق، متعهد به پذیرش پرداخت می‌شود، اما این تعهد غیرقابل‌برگشت بانک که اطمینان کافی را برای خریدار و فروشنده ایجاد می‌کند، گاه به دلیل ایجاد فورس‌ماژور از بین می‌رود. در میان مصادیق فورس‌ماژور، تحریم‌های اقتصادی به دلیل اینکه به‌طور گسترده در جهان وضع و اعمال می‌شوند، از اهمیت فراوانی برخوردارند. در این مواقع، گاهی اوقات بانک صادرکننده ضمانت‌نامه بانکی با درج شرط تحریم در مفاد ضمانت‌نامه، پایبندی خود را به آن‌ها اعلام می‌کند و در نتیجه، در صورت وضع تحریم‌های شرط‌شده، از آن‌ها پیروی می‌کند که ممکن است به عدم انجام تعهدات بانک صادرکننده ضمانت‌نامه منجر شود.

محدودیت‌های مالی و تجاری اعمال‌شده علیه کشوری که اولین کشور بزرگ از نظر ذخایر گاز اثبات‌شده و چهارمین کشور بزرگ از نظر منابع نفتی است، می‌تواند بر بازارهای مالی، انرژی جهان و بدون شک بر اقتصاد خاورمیانه تأثیر منفی بگذارد. در گستره تشدید تحریم‌ها و کوچک شدن اقتصاد ایران، بحث‌گشایش اعتبارات اسنادی و ضمانت‌های بانکی یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی بانکی است که ایجاباً و ضرورتاً باید بدان پرداخته شود تا با آسیب‌شناسی آن بتوان راهکارهای حقوقی و اقتصادی برای برون‌رفت از مسائل و چالش‌های تحریم‌ها به شکلی محققانه شکل بگیرد، چه اینکه با افزایش شدید الزامات و انتظارات مربوط به انطباق با تحریم‌ها در دهه گذشته، بانک‌ها به دنبال روش‌های مختلفی برای کاهش ریسک قانونی تعامل با افراد یا نهادهای تحریم‌شده‌اند. گنجاندن بندهای به‌اصطلاح تحریمی در قراردادهای تجاری یکی از این روش‌هاست.

تأثیر تحریم در قراردادهای بالادستی نفتی

برای بررسی مفهوم فورس‌ماژور در صنعت نفت و گاز، نخست باید به ماده ۱۳ قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فعالیت قاره مصوب ۱۳۳۶ پرداخته شود. هرچند این ماده به‌طور خاص تعریفی از قوه قهریه (فورس‌ماژور) ارائه نکرده است، اما مقرر می‌دارد که: «در مواردی که به حکم قوه قهریه (فورس‌ماژور) مانعی پیش‌آید که رفع آن از اختیار عامل خارج باشد و عامل نتواند تعهداتی را که قبول کرده انجام دهد یا در انجام آن تأخیر کند، این عدم انجام یا تأخیر به‌عنوان تخلف از قرارداد تلقی خواهد شد. همچنین، اگر توفقی که به دلیل عوامل مذکور پیش‌آمده، یک سال یا بیشتر ادامه یابد، قرارداد به‌طور خودکار برای آن مدت تمدید خواهد شد». در قراردادهای نفتی، همانند سایر قراردادهای بلندمدت، ضوابطی برای بروز حوادث فورس‌ماژور در نظر گرفته می‌شود. این پیش‌بینی به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که در نظام‌های ملی، تعاریف مختلفی از «فورس‌ماژور» و حوادث قهریه وجود دارد.

بروز هر گونه حادثه‌ای که ناشی از غفلت شرکت یا کارفرما نباشد و خارج از کنترل آن‌ها به وقوع پیوسته باشد، می‌تواند اجرای قرارداد را با مشکل مواجه کند. این نوع حوادث در تمامی قراردادهای، از جمله قراردادهای بالادستی، ممکن است رخ دهند و می‌توانند منجر به تعلیق اجرای قرارداد یا حتی غیرممکن ساختن آن شوند. به‌عنوان نمونه، در یکی از قراردادهای مشارکت در اندونزی که در سال ۱۹۶۸ منعقد شده، در تعریف قوه قهریه آمده است: «هرگونه فرمان، مقررات یا دستورالعمل دولت جمهوری اندونزی یا ایالات متحده آمریکا، چه به‌صورت قانون و چه به هر نحو دیگر، یا هرگونه قوه قاهره، عمل دشمنان مردم، خطرات ناوبری، آتش‌سوزی، سیل، اقدامات خصمانه، جنگ (خواه اعلام‌شده و خواه اعلام‌نشده)، محاصره، آشوبگری، اعتصاب، شورش، قیام، جنبش مدنی، محدودیت‌های قرنطینه، بیماری‌های واگیردار، طوفان، زمین‌لرزه و تصادفات دیگر ناشی از علل خارج از کنترل پیمانکاران یا هر دو طرف، چه مشابه موارد ذکرشده باشند و چه نباشند». این بندها نشان‌دهنده اهمیت پیش‌بینی حوادث غیرمترقبه در قراردادهای و تأثیر آن‌ها بر تعهدات طرفین است.

آثار تحریم در اجرای قراردادها

آثار تحریم بر اجرای قراردادها، به‌ویژه قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، تا حدی پیچیده به نظر می‌رسد. همواره، این پرسش در صنعت مطرح می‌گردد که آیا تحریم در قراردادهای بین‌المللی، جزء مصادیق فورس‌ماژور است یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، چه آثاری بر قرارداد دارد؟ برای پاسخ به این پرسش باید «فورس‌ماژور» تحلیل محتوایی گردد و مفهوم و ماهیت آن در نظام‌های حقوقی مختلف روشن شود. فورس‌ماژور عبارت است از: حادثه‌ای ناگهانی و گریزناپذیر که قابل انتساب به متعهد نباشد و اجرای تعهد را کاملاً ناممکن سازد. در این صورت، متعهد از انجام تعهد و یا جبران خسارت‌های طرف مقابل معاف خواهد بود. فورس‌ماژور، از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین معاذیر قراردادی است که در نظام‌های مختلف حقوقی (البته به نام‌ها و شیوه‌های گوناگون) مورد بررسی و پذیرش قرار گرفته است. در سیستم حقوقی نوشته، فورس‌ماژور یا قوه قاهره، علاوه بر غیرقابل کنترل و خارجی بودن، باید غیرقابل پیش‌بینی نیز باشد، لیکن در سیستم حقوقی کامن‌لا شرط غیرقابل پیش‌بینی بودن، جزء ارکان فورس‌ماژور به حساب نمی‌آید. لذا رویکرد این مقاله، بررسی جایگاه تحریم در فرض شمول فورس‌ماژور، به‌عنوان یکی از معاذیر قراردادی یا عدم شمول آن در قالب دیگر معاذیر قراردادی و اثر آن بر انعقاد و اجرای قرارداد است.

سقوط تعهد و انحلال قرارداد

فورس‌ماژور به‌عنوان یک عامل خارجی و غیرقابل پیش‌بینی، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر قراردادها و تعهدات طرفین داشته باشد. در صورتی که وقوع یک حادثه فورس‌ماژور مانع از اجرای تعهدات شود، ممکن است موجب انحلال قرارداد و سقوط تعهدات گردد. در این حالت، متعهد می‌تواند با استناد به فورس‌ماژور از مسئولیت‌های خود معاف شود. بر اساس ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی ایران، اگر وقوع یک حادثه غیرقابل پیش‌بینی مانع از اجرای قرارداد شود، متعهد از مسئولیت خود معاف خواهد بود. با این حال، در برخی موارد خاص، فورس‌ماژور موجب براءت متعهد نخواهد شد. به‌عنوان مثال:

پذیرش خطرات در قرارداد: اگر در متن قرارداد به‌وضوح خطرات ناشی از فورس‌ماژور ذکر شده باشد و طرفین به پذیرش آن‌ها توافق کرده باشند، متعهد حتی در صورت بروز این حوادث نیز مسئول خواهد بود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت دقت در تنظیم قراردادها و پیش‌بینی شرایط خاص است. عدم اجرای تعهد قبل از بروز حادثه: اگر متعهد قبل از بروز حادثه فورس‌ماژور، موعد اجرای تعهد را نقض کرده باشد و متعهدله اجرای آن را مطالبه کرده باشد، در این صورت نیز متعهد نمی‌تواند به فورس‌ماژور استناد کند. این قاعده در حقوق فرانسه نیز وجود دارد و بر اساس بند ۲ ماده ۱۱۳۸ و ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی ایران مقرر شده است.

عدم امکان اجرای جزئی تعهدات: در مواردی که فورس‌ماژور فقط موجب عدم امکان اجرای جزئی از تعهدات می‌شود، مسئولیت متعهد برای سایر تعهدات همچنان باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر، اگر یک حادثه فورس‌ماژور مانع از اجرای یک بخش از قرارداد شود، ممکن است سایر تعهدات تحت تأثیر قرار نگیرند و متعهد همچنان مسئول اجرای آن‌ها باشد.

در نهایت، در صورت بروز فورس‌ماژور، اراده طرفین و شرایط قرارداد باید به دقت بررسی شود. اگر قرارداد به‌گونه‌ای تنظیم شده باشد که در صورت بروز چنین حوادثی، امکان انحلال یا تجزیه تعهدات وجود داشته باشد، ممکن است قرارداد به‌طور کلی منحل شود. اما اگر چنین شرطی وجود نداشته باشد، قرارداد ممکن است همچنان معتبر باقی بماند و تنها برخی از تعهدات تحت تأثیر قرار گیرند. لذا، توجه به جزئیات و پیش‌بینی شرایط خاص در قراردادها می‌تواند به حفظ منافع طرفین کمک کند. عدم اجرای تعهدات می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها وقوع فورس‌ماژور است. در این زمینه، نکات زیر قابل توجه هستند:

فورس ماژور به‌عنوان علت جزئی: در برخی موارد، اگر یک حادثه فورس ماژور تنها به‌عنوان یک علت جزئی در عدم اجرای تعهدات محسوب شود و نه علت تامه، ممکن است مسئولیت متعهد همچنان برقرار باشد. به عبارت دیگر، اگر فورس ماژور فقط بخشی از خسارت را ایجاد کند و سایر عوامل نیز در این زمینه دخیل باشند، متعهد نمی‌تواند به‌طور کامل از مسئولیت خود معاف شود.

تقصیر جزئی و تأثیر آن بر فورس ماژور: در حقوق فرانسه، اگر تقصیر جزئی متعهد در بروز خسارت مؤثر باشد، این موضوع می‌تواند مانع از اعمال فورس ماژور شود. به‌عنوان مثال، اگر تأخیر در اجرای تعهد ناشی از تقصیر متعهد باشد و در عین حال حادثه‌ای نیز به‌عنوان فورس ماژور رخ دهد، مسئولیت متعهد همچنان پابرجا خواهد بود.

مواجهه با ممنوعیت قانونی: در مواردی که متعهد به دلیل موانع قانونی یا شرایط خاصی مانند جنگ یا دخالت نیروهای متخاصم، قادر به اجرای تعهدات خود نیست، ممکن است این شرایط به‌عنوان فورس ماژور شناخته شوند. با این حال، اگر ثابت شود که متعهد خود باعث ایجاد این موانع بوده است، مسئولیت او همچنان برقرار خواهد بود.

همبستگی تعهدات در قراردادهای دوطرفه: در قراردادهای دوطرفه، هرگاه یکی از طرفین به دلیل فورس ماژور نتواند به تعهدات خود عمل کند، ممکن است تعهدات طرف دیگر نیز تحت تأثیر قرار گیرد. این همبستگی به این معناست که عدم اجرای تعهد از سوی یک طرف می‌تواند به انحلال قرارداد و سقوط تعهدات طرف دیگر منجر شود.

قابلیت دفاع و استرداد: در صورتی که یکی از طرفین قرارداد به دلیل فورس ماژور نتواند به تعهدات خود عمل کند، ممکن است حق استرداد آنچه را که به‌عنوان جبران خسارت پرداخت کرده است، داشته باشد. این موضوع نیازمند اثبات این است که پرداخت‌ها به دلیل فورس ماژور انجام شده و در غیر این صورت، این پرداخت‌ها قابل استرداد نیستند.

در نهایت، در بررسی آثار فورس ماژور بر قراردادهای، توجه به جزئیات و شرایط خاص هر قرارداد ضروری است. این امر می‌تواند به حفظ حقوق طرفین و جلوگیری از بروز اختلافات کمک کند.

تعلیق قرارداد

تعلیق اجرای تعهدات به معنای توقف موقت اجرای قرارداد به دلیل بروز یک حادثه فورس ماژور است. در این شرایط، اگر یک واقعه غیرقابل پیش‌بینی و خارجی، مانند زلزله، سیل یا جنگ، مانع از امکان اجرای تعهدات شود، قرارداد به حالت تعلیق درمی‌آید. این بدان معناست که طرفین قرارداد همچنان به تعهدات خود متعهد هستند، اما اجرای آن‌ها به دلیل وقوع فورس ماژور متوقف می‌شود. اگر مانع ایجادشده به‌طور کامل برطرف شود، قرارداد می‌تواند به حالت اولیه خود بازگردد و تعهدات طرفین ادامه یابد. به عبارت دیگر، اعتبار قرارداد حفظ می‌شود و تنها اجرای آن به دلیل شرایط خاص متوقف شده است. این فرآیند به طرفین این امکان را می‌دهد که پس از رفع مانع، به تعهدات خود ادامه دهند و از انحلال قرارداد جلوگیری شود. بنابراین، درک صحیح از مفهوم تعلیق و آثار آن بر قراردادهای می‌تواند به حفظ حقوق طرفین کمک کند و از بروز اختلافات جلوگیری نماید.

در خصوص استناد به تحریم به‌عنوان قوه قاهره و فورس ماژور بودن تعهدات، می‌توان به رأی ذیل به شماره دادنامه ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۰۵۷۲ در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ اشاره داشت:

رأی دادگاه بدوی اصداری در شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران: در خصوص دعوی شرکت الف. با وکالت م.ح. و س.پ. به طرفیت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به خواسته محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۲۴۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت استرداد وجه

ضمانت‌نامه شماره ۸۹۰۰۲۸۶۶ مورخه ۸۹/۷/۲۱ و خسارت قانونی موضوع قرارداد شماره ۱۹۰۳/۲۳۸۵ مورخه ۸۹/۸/۴ که حسب متن دادخواست و صورت‌جلسه انعکاسی خواهان اظهار داشته که مقداری از موضوع قرارداد که به عهده خواهان بوده انجام شده و قرارداد هم فسخ نگردیده است، خواننده نیز اظهار داشت که قرارداد همچنان پابرجا است و خواهان در تحویل کالا تعلل کرده و ضبط ضمانت‌نامه حسب قرارداد منعقد فی‌مابین بوده است. دادگاه ضمن استماع اظهارات طرفین و ملاحظه اسناد و مدارک واصله و ملاحظه قرارداد و با توجه به اینکه حسب اقرار متداعین موضوع تعهد و خرید کالا کاملاً از طرف خواهان انجام نیافته است و توسل خواهان به حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی هم از انجام موضوع قرارداد مفروغ‌عنه بوده، چرا که اشاره خواهان به تحریم‌های اقتصادی ایران اقدام به تحریم بر علیه جمهوری اسلامی اقدامی حادث و نو نبوده، بلکه از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی آثار تحریم‌ها بر ایران اسلامی سایه افکنده بود و از طرفی، هرچند که موضوع تعهد کالاهای ساخت انگلیس مقرر شده، خواهان می‌توانست همان کالاهای ساخت کشور انگلیس را از طریق کشورهای دیگر تأمین نماید و تحریم اقتصادی مؤثر در انجام یا عدم انجام موضوع تعهد از مصادیق قوه قاهره محسوب نمی‌شود؛ چراکه در تشخیص وجود قوه قاهره می‌بایست حادثه غیرقابل‌اجتناب و غیرقابل‌پیش‌بینی باشد و اجرای قرارداد را غیرممکن سازد که فرد موضوع بحث این‌گونه نبوده است، بلکه ناشی از تغییر اوضاع و احوال و برهم خوردن موازنه اقتصادی تلقی می‌گردد که در قرارداد هم چنین شرطی آورده نشده است. علی‌رغم موارد مذکور، حسب ماده ۱۰ قرارداد، خواهان می‌توانست در صورت وقوع شرایط نامناسب برای هر یک از طرفین قرارداد با توسل به ماده مذکور، تقاضای تأخیر یا تعلیق اجرای قرارداد را تا پایان شرایط نامناسب درخواست نماید که چنین اقدامی هم ننموده است و از طرفین قرارداد هم مورد تفاسخ یا انفساخ و فسخ یا ابطال قرار نگرفته است و طرفین کماکان تابع قرارداد محسوب می‌شوند. فلذا به تجویز ماده ۶ قرارداد، استرداد ضمانت‌نامه مخالف صراحت قرارداد طرفین بوده و دعوی محمول بر صحت نبوده و حکم به بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز قابل تجدیدنظر است.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان در شعبه ۳۵ استان تهران: در خصوص تجدیدنظرخواهی شرکت الف. با وکالت آقایان م.ح. و س.پ. نسبت به دادنامه شماره ۱۲۲۹...۹۲ مورخ ۹۲/۱۲/۲۷ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن، حکم به بی‌حقی خواهان به خواسته محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۲۴۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال استرداد وجه ضمانت‌نامه شماره ۸۹...۲۸۶۶ مورخه ۸۹/۷/۲۱ و خسارت قانونی موضوع قرارداد شماره ۲۳۸۵/۱۹۰۳ مورخه ۸۹/۸/۴ صادر شده است، وارد نمی‌باشد و تجدیدنظرخواهی انطباقی با جهات درخواست تجدیدنظر مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نداشته و دادنامه یادشده با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده و با رعایت اصول و قواعد دادرسی و موازین قانونی اصدار گردیده و در این مرحله از رسیدگی، دلیل جدید که مستلزم نقض دادنامه مذکور باشد اقامه نشده است و تجدیدنظرخواهی متضمن جهت موجه در نقض رأی صادره نمی‌باشد؛ لذا با رد اعتراض، دادنامه تجدیدنظرخواسته را با استناد به ماده ۳۵۸ قانون مرقوم عیناً تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

در نتیجه، تحریم‌های اقتصادی به‌طور کلی از مصادیق قوه قاهره محسوب نمی‌شوند و تأثیری بر انجام یا عدم انجام موضوع تعهد ندارند. برای اینکه یک حادثه به‌عنوان قوه قاهره شناخته شود، باید شرایط خاصی را داشته باشد؛ به‌ویژه اینکه حادثه باید غیرقابل‌اجتناب و غیرقابل‌پیش‌بینی باشد و اجرای قرارداد را به‌طور کامل غیرممکن سازد. در مقابل، تحریم‌ها معمولاً ناشی از تغییرات سیاسی و اقتصادی هستند و به‌طور خاص به منظور اعمال فشار بر کشورها یا نهادها به وجود می‌آیند. این تحریم‌ها ممکن است منجر به برهم خوردن موازنه اقتصادی و دشواری در اجرای قراردادها شوند، اما به خودی خود نمی‌توانند به‌عنوان یک مانع غیرقابل‌اجتناب و غیرقابل‌پیش‌بینی تلقی شوند. به عبارت دیگر، تحریم‌ها

به دلیل ماهیت قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت آن‌ها، نمی‌توانند شرایط لازم برای قوه قاهره را برآورده کنند. بنابراین، در مواردی که تحریم‌های اقتصادی به وجود می‌آید، طرفین قرارداد باید به دنبال راهکارهای جایگزین و مذاکره برای تعدیل شرایط باشند، به جای اینکه به قوه قاهره استناد کنند. این امر نشان‌دهنده اهمیت تحلیل شرایط و زمینه‌های اقتصادی و سیاسی در قراردادها و تأثیرات آن بر تعهدات طرفین است.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی در فضای کنونی تجارت بین‌الملل، دیگر نه یک پدیده نادر و گذرا، بلکه به‌عنوان یک «متغیر مستمر و بنیادین» در حقوق قراردادهای تثبیت شده‌اند که نقطه تلاقی پیچیده سیاست، حقوق و اقتصاد محسوب می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخورد سنتی با تحریم صرفاً به‌عنوان مصداقی از قوه قاهره (فورس ماژور)، لزوماً تأمین‌کننده عدالت قراردادی نیست؛ چرا که تحریم‌ها در بسیاری از موارد به جای «ناممکن کردن مطلق» تعهد، با ایجاد «دشواری بنیادین یا هاردشپ»، توازن مالی معامله را به نفع یکی از طرفین فرو می‌پاشند. از این رو، نظام‌های حقوقی و مراجع داوری به سمت رویکردی منعطف‌تر حرکت کرده‌اند که در آن، «تعدیل و بازنگری قرارداد» بر «انحلال و اتمام» آن اولویت می‌یابد تا حیات اقتصادی معامله در اتمسفر پرریسک بین‌المللی حفظ گردد. در نهایت، کلید صیانت از منافع تجاری در مواجهه با تحریم، گذر از نگاه «منفعانه و واکنشی» به سوی یک نگاه «پیشگیرانه و استراتژیک» است. درج شروط تحریم (*Sanction Clauses*) دقیق در متن قراردادها، پیش‌بینی مسیرهای جایگزین مالی و لجستیکی و تقسیم شفاف مسئولیت اخذ مجوزهای قانونی، ابزارهایی هستند که ریسک تحریم را از یک عامل غافلگیرکننده به یک ریسک تجاری مدیریت‌پذیر تبدیل می‌کنند. برای فعالان اقتصادی، به‌ویژه در بستر تجارت بین‌الملل ایران، شناخت دقیق از مرزهای «نظم عمومی» و بهره‌گیری از دانش نوین قراردادی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی حیاتی برای جلوگیری از فلج شدن تعهدات و صیانت از سرمایه‌های ملی در برابر تکانه‌های سیاسی جهانی است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Economic sanctions have become a decisive variable in international commercial contracts, transforming the traditional relationship between contractual autonomy, *pacta sunt servanda*, and supervening impediments to performance. This study examines the legal role and effects of economic sanctions in international trade contracts, with particular attention to whether sanctions may be classified as *force majeure*, hardship, or a distinct legal impediment affecting contractual liability. The issue is especially significant because sanctions no longer operate merely as public-law instruments directed at states; rather, they directly penetrate private contractual relations by disrupting payment systems, transportation, insurance, banking guarantees, documentary credits, supply chains, and energy transactions (Bayazidi & Mirtorabi, 2022; Sadeghnejad et al., 2023; Shishehgari et al., 2022). In this context, the sanctioned party may remain bound by the contract while simultaneously being legally or practically prevented from performing its obligations because of mandatory sanctions regulations. Accordingly, the central question is whether economic sanctions

should release the obligor from liability, justify renegotiation or adaptation of the contract, or merely be treated as a commercial risk that the parties should have anticipated and allocated through contractual clauses (Ebrahimi & Oyarhossein, 2012; Safaei, 1985).

The study adopts a descriptive–analytical approach and relies on legal doctrine, comparative contract law, international trade practice, and studies concerning the impact of sanctions on banking, energy, shipping, and commercial performance. From a legal perspective, sanctions may affect contracts in several ways. Where sanctions are imposed after conclusion of the contract and possess the elements of externality, unforeseeability, and irresistibility, they may be treated as force majeure, especially where performance becomes legally or materially impossible (Ebrahimi & Oyarhossein, 2012; Riyahi, 2023). However, where sanctions do not make performance absolutely impossible but substantially increase costs, delay delivery, restrict access to banking channels, or disturb the economic equilibrium of the contract, the more appropriate characterization may be hardship rather than force majeure (Golshani & Hosseini Modarres, 2020; Metaji Nimouri & Rajabizadeh, 2021). This distinction is crucial because force majeure generally leads to exemption from liability, suspension, or termination, whereas hardship usually supports renegotiation, adaptation, or judicial/arbitral modification of contractual terms.

The findings indicate that the practical effects of sanctions are most visible in financial and logistical infrastructures. Banking sanctions, restrictions on documentary credits, limitations on bank guarantees, and exclusion from international payment mechanisms may prevent even lawful contracts from being performed in ordinary commercial channels (Mafi & Tolba, 2017; Ziaei & Tolba, 2015). In such circumstances, the impediment does not necessarily arise from the nature of the goods or the will of the parties, but from the collapse of the financial mechanisms through which international trade is normally executed. Sanctions also create a domino effect across related contracts, since a single transaction often depends on shipping, insurance, inspection, customs, and intermediary banking arrangements. In the shipping sector, sanctions may reduce access to fleets, insurance services, spare parts, fuel, and international port facilities, thereby increasing operational costs and weakening competitiveness (Bayazidi & Mirtorabi, 2022; Razmjooei & Dashtinejad, 2014). In the energy sector, sanctions have especially severe implications because energy trade is closely linked to technology transfer, investment, transportation, environmental protection, and national economic stability (Hajiani & Salehi, 2020; Mashhadi & Rashidi, 2015; Shishehgari et al., 2022).

The analysis further shows that sanctions generate a complex conflict between contractual stability and public policy. On the one hand, international commerce depends on predictability, party autonomy, and the binding force of contracts. On the other hand, sanctions often operate as mandatory rules imposed by states or international organizations, and their violation may expose parties, banks, insurers, and carriers to severe penalties (Azeredo da Silveira, 2014; Sadeghnejad et al., 2023). This conflict becomes particularly acute in arbitration and transnational litigation, where the decision-maker must determine whether a sanctions regime should be recognized as a mandatory rule, whether it forms part of international public policy, and whether it should override the governing law of the contract. A distinction must therefore be drawn between unilateral sanctions and sanctions grounded in collective international authority. While unilateral sanctions may sometimes be viewed as politically motivated restrictions that should not automatically defeat contractual obligations, sanctions adopted under broader international frameworks may carry stronger normative force and may be more readily accepted as overriding rules in contractual disputes (Omorogbe, 2017; Shiroei, 2016).

The study also highlights the preventive function of sanctions clauses in modern international contracts. In high-risk commercial environments, parties can no longer rely solely on general doctrines such as force majeure or hardship; instead, they must expressly regulate sanctions-related risks through carefully drafted contractual provisions. Sanctions clauses may determine whether the contract will be suspended, terminated, renegotiated, or adapted when new sanctions are imposed; they may also allocate responsibility for obtaining licenses, identifying alternative payment routes, replacing transportation channels, or using substitute currencies (Azeredo da Silveira, 2014; Metaji Nimouri & Rajabizadeh, 2021). Such clauses are particularly important in banking instruments, documentary credits, independent guarantees, oil and gas contracts, and long-term supply agreements, where performance depends on multiple regulatory and financial intermediaries (Mafi & Tolba, 2017; Shiroei, 2016; Ziaei & Tolba, 2015). By transforming sanctions from an unpredictable external shock into a contractually managed risk, these clauses reduce uncertainty, prevent unnecessary termination, and support equitable risk distribution between the parties.

In conclusion, economic sanctions should not be treated through a single rigid legal category. Depending on their timing, scope, intensity, foreseeability, and actual effect on performance, they may operate as force majeure, hardship, frustration, a mandatory legal impediment, or merely a foreseeable commercial risk. The most balanced approach is therefore functional and case-specific: if sanctions make performance legally or materially impossible, exemption or suspension may be justified; if they merely destroy the economic equilibrium of the contract, renegotiation and adaptation are more appropriate; and if the risk was foreseeable and contractually allocated, the parties should be held to their agreed framework. Ultimately, the legal management of sanctions in international commercial contracts requires a shift from passive reliance on general doctrines toward proactive contractual planning, precise risk allocation, flexible performance mechanisms, and a sophisticated understanding of the interaction between private commercial obligations and public regulatory constraints.

References

- Azeredo da Silveira, M. (2014). *Trade Sanctions and International Sales: An Inquiry into International Arbitration and Commercial Litigation*. Wolters Kluwer.
- Bayazidi, R., & Mirtorabi, S. S. (2022). Sanctions against the Shipping Industry of the Islamic Republic of Iran: Trend Analysis, Dimensions, and Objectives. *Strategic Environmental Studies of the Islamic Republic of Iran*, 6(4).
- Ebrahimi, S. N., & Oyarhossein, S. (2012). The Effects of Sanctions on the Performance of International Commercial Contracts from the Perspective of Force Majeure. *Civil Law Knowledge*, 1(2).
- Golshani, E., & Hosseini Modarres, S. M. (2020). The Concept of Impediment for Granting Exemption to the Obligor in Sanctions-Related Disputes. *International Law Journal*, 37(62).
- Hajiani, H., & Salehi, A. (2020). The Impact of Sanctions on Energy from the Perspective of International Law. *Citizenship Rights Studies*(14).
- Mafi, H., & Tolba, M. (2017). The Effect of Sanctions as Force Majeure on Bank Guarantees. *Fiscal and Economic Policies Quarterly*, 5(18).
- Mashhadi, A., & Rashidi, M. (2015). The Impact of Sanctions Imposed against Iran on the Environment, Energy, and Technology Transfer from the Perspective of International Law. *Public Law Research*, 16(46).
- Metaji Nimouri, F., & Rajabizadeh, S. (2021). A Comparative Study of Sanctions in Commercial Contracts. 5(55).
- Omorogbe, Y. (2017). *Exploration and Production Contracts in the Oil and Gas Industry*. Shahr-e Danesh.
- Razmjooei, D., & Dashtinejad, R. (2014). Examining the Effects of Economic Crisis and International Sanctions on Iran's Maritime Transport and Trade. International Management Conference.
- Riyahi, M. (2023). The Effects of Sanctions on the Performance of International Commercial Contracts and the Effect of Force Majeure Therein. First National Conference on the Mutual Impact of International Law and Domestic Law in the Development of Laws,

- Sadeghnejad, S., Darvishi Hoveyda, Y., & Taghizadeh Ansari, M. (2023). Economic Sanctions as a Geopolitical Instrument of Global Powers and Their Legal Consequences for Iran's Banking System. *Journal of Geography and Regional Planning*, 13(53).
- Safaei, S. H. (1985). Force Majeure. *Legal Journal*(3).
- Shiroei, A. (2016). *Oil and Gas Law*. Mizan.
- Shishehgari, T., Memarnejad, A., Ghaffari, F., & Hosseini, S. S. (2022). The Intensity of Energy-Sector Sanctions and Their Impact on Iran's Trade: An Application of the Gravity Equation. *Iranian Energy Economics*, 11(4).
- Ziaei, S. Y., & Tolba, M. (2015). The Effect of Banking Sanctions as Force Majeure on the Legal System of Opening Documentary Credits. 22(8).